

کارایی درونی گروه‌های آموزشی متوسطه و رابطه‌ی آن با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های استان خوزستان

دکتر مسعود برومندنسب

عضوهیئت علمی دانشگاه آزاد واحد دزفول

دکتر مرتضی امیدیان

استادیار دانشگاه یزد

محمدحسین رفیع‌نیا

کارشناس گروه‌های آموزشی

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی دیدگاه مدیران و دبیران در رابطه با کارایی درونی گروه‌های آموزشی و همچنین رابطه‌ی کارایی گروه‌های آموزشی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های استان خوزستان است. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی همبستگی است. به این منظور، ضمن بررسی وضع موجود با توجه به دیدگاه کارشناسان و دبیران، رابطه‌ی کارایی گروه‌ها با عملکرد تحصیلی (میزان قبولی در کنکور و معدل قبولی در امتحانات نهایی و میزان مقام‌های علمی در المپیادها) مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمونه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۷۹۹ نفر از دبیران و مدیران دبیرستان‌های استان خوزستان است که به طور تصادفی طبقه‌بندی و انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی با ۵۲ گویه به صورت لیکرت ۳ مقیاسی است. همچنین، اطلاعات مربوط به دانش‌آموزان و سنجش کارایی گروه‌ها از پرونده‌ها و مدارک موجود در آموزشگاه‌ها و ادارات آموزش و پرورش به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عوامل، ضریب همبستگی و مجذور خی استفاده شد. نتایج نشان دادند مدیران و دبیران اعتقاد دارند گروه‌های آموزشی نتوانسته‌اند زمینه‌ی مناسب برای کسب مهارت‌های مربوط به طراحی آموزشی را فراهم آورند. همچنین، آنها اعتقاد دارند گروه‌های آموزشی نتوانسته‌اند دبیران را با رویکردهای آموزشی آشنا سازند و نیز به نظر آنها گروه‌های آموزشی در زمینه‌ی پرورش خلاقیت و بروز اندیشه‌های نو در مسائل آموزشی موفق نبوده‌اند. در حالی که به نظر دبیران گروه‌های آموزشی در گسترش استفاده‌ی صحیح از روش‌های ارزش‌یابی موفق بوده‌اند. همچنین دبیران و مدیران اعتقاد دارند که گروه‌های آموزشی از نظر ساختاری دارای نقائص و مشکلاتی هستند. در نهایت، فرضیه‌ی رابطه‌ی کارایی درونی گروه‌های آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأیید شده و بین سه شاخص عملکرد تحصیلی و میزان کارایی درونی گروه‌ها، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: کارایی درونی، گروه‌های آموزشی، عملکرد تحصیلی، دبیران و مدیران

۱- مقدمه

مدرسه به عنوان بنیادی‌ترین بخش نظام آموزشی، مورد توجه برنامه ریزان آموزشی قرار گرفته است. دانش آموزان در درون این سیستم با تأثیر پذیری از برنامه های آموزشی آماده می شوند تا نیازهای آینده‌ی جامعه‌ی خود را برطرف نمایند. بر این اساس، لزوم توجه به عواملی که در مدرسه بیشترین تأثیر را بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان دارند، ضروری به نظر می‌رسد.

از ارکان اصلی تأثیرگذار در مدرسه معلمان هستند که رسالت تحقق اهداف آموزش و پرورش را به عهده دارند و بدون مشارکت علمی و عاطفی آنان اجرای شایسته‌ی برنامه های آموزشی میسر نخواهد شد. یکی از بسترهای مشارکت معلمان، گروه‌های آموزشی است. باید توجه داشت که ایجاد فضای مناسب برای فعالیت گروه‌های آموزشی ثمرات متعددی دارد. از جمله می توان به بالا رفتن روحیه‌ی کار و تلاش و بهبود جو سازمانی اشاره کرد که به نوبه‌ی خود درک متقابل را نسبت به مشکلات آموزش و پرورش افزایش می دهد و نقش آنان را در مشکل گشایی و اظهار نظر در امور سازمان و فرایند تصمیم گیری آشکار می کند.

گروه‌های آموزشی یکی از حوزه هایی است که معلم می تواند یافته های خود را مطرح کند و بازتاب آن را در میان همکاران بنگرد و بر باورهای معلمی تأثیر قابل تأملی بگذارد (گویا، ۱۳۷۸ ص۶). آموزش و پرورش به دلیل نقش غیرقابل انکارش در سامان دهی فرهنگ جامعه به خصوص در بعد نظارتی و بشارتی نیازمند تشکیلاتی است که نیروهای مستعد را برای امر خطیر فرهنگ سازی بسیج می نماید. نقد و اصلاح طرح های اجرایی، اداری و مدیریتی در قالب تشکل‌های معلمی امکان پذیر است. از گروه‌های آموزشی می توان به عنوان یکی از عوامل تعدیل کننده‌ی نقایص ناشی از سیستم برنامه ریزی متمرکز استفاده نمود، زیرا این تشکیلات باید ضمن بازنگری و ارزش یابی طرح ها و برنامه‌ها نقاط ضعف و قوت آنها را در مرحله‌ی اجرا دریابد و بدون واسطه و پیچ و خم‌های اداری و با صراحت به برنامه ریزان آموزشی گوشزد کند (صادقی، ۱۳۷۹). تنجو^۱ (۱۹۹۲) معتقد است اهمیت کار گروه‌های درسی به مراتب بیشتر از کار مراکز تربیت معلم است، چرا که مراکز تربیت معلم به ارائه‌ی یک سری آموزش‌های ثابت یکسان و از قبل آماده شده و بعضاً تشریفاتی از طریق آموزش‌های پیش از خدمت می‌پردازند که اکثراً پس از

^۱ Tenjoh

فارغ‌التحصیل شدن به دست فراموشی سپرده می شود، اما وظیفه‌ی گروه‌های درسی یک روند ادامه‌ی کار و طولانی مدت است که از ابتدا تا انتها شغل معلمی را پوشش می‌دهد. این پژوهش به دنبال آن است که با ارزیابی کارایی گروه‌های آموزشی معلوم کند گروه‌های آموزشی تا چه اندازه در رسیدن به اهداف خود و برآورده نمودن انتظارات معلمان و برنامه ریزان آموزشی موفق بوده‌اند. با توجه به افت تحصیلی موجود در سطح استان خوزستان، یافتن رابطه بین کارایی گروه‌های آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، مسئله‌ی دیگری است که در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد. تابا شناسایی نقش گروه های آموزشی در این موردازدیدگاه نظری و آموزشی به آن پرداخته شود.

در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی انجام شده است که تأثیرات گروه‌های آموزشی را در طراحی مورد تأیید قرار داده‌اند، مثلاً آرش (۱۳۷۱)، با انجام تحقیقی به این نتیجه رسیده است که گروه‌های آموزشی در ایجاد هماهنگی در تدریس و ارائه‌ی روش‌های جدید تدریس موفق بوده‌اند. ولسترواسمیت^۱ (۲۰۰۶، a) در مطالعه‌ی خود به منظور نشان دادن اثربخشی همکاری معلمان با یکدیگر، نشان دادند که این همکاری در رسیدن به اهداف برنامه‌ی درسی و کمک به دانش آموزان در معرض خطر اثربخش بوده است. این دو محقق در گزارشی دیگر (۲۰۰۶، b)، با توجه به سیاست اتخاذ شده دربخشی از امریکا برای مشارکت عموم (معلمان، خانواده ها و...) در اداره‌ی مدارس، ضمن اشاره به این موضوع که روش جدید اداره‌ی مدارس از روش های سنتی اثربخش تر است، براین موضوع تأکید دارند که برای بالابردن اثربخشی مشارکت بایدبه عناصری مانند نوع خدمت، شکل مشارکت و میزان مشارکت سازمانی توجه شود. گروه های آموزشی به عنوان نمونه ای از مشارکت معلمان دربرنامه ریزی، از طرف پژوهشگران زیادی مورد ارزیابی قرارگرفته است. در ایالات متحده‌ی امریکا، در برنامه ای که به منظور مشارکت و همکاری معلمان درمدارس ناحیه‌ی لس آنجلس طراحی شده بود (LAAMP)^۲، ارزیابی چهار سال اجرای این برنامه، نشان داد که همکاری گروه ها روابط مدارس را بهبود بخشیده وبه علاوه مشارکت معلمان، به بهبود و ارتقاء کلی برنامه ها کمک کرد (۲۰۰۰). در ایران، درستکار (۱۳۷۵)، به این نتیجه رسیده است که گروه‌های آموزشی در فراهم ساختن زمینه‌ی برقراری ارتباط مؤثر در میان معلمان و ایجاد تغییر در شیوه‌های تدریس توفیق داشته‌اند. برخی دیگر از پژوهش‌ها به ترغیب معلمان در استفاده از وسایل کمک آموزشی و به کارگیری شیوه های تدریس فعال توسط گروه‌های آموزشی اشاره داشته‌اند (بشیری ۱۳۷۶). نجاتی (۱۳۷۶)، نشان داد که بین عملکرد گروه‌های آموزشی با ارتقاء سطح علمی و بهینه سازی روش های تدریس معلمان رابطه

^۱- Wholstetter,P. & Smith,J.

^۲- Los Angeles Annenberg Metropolitan Project

وجود دارد. تحقیقات دیگر نیز به نتایج مشابهی دست یافتند (هاشمی، ۱۳۷۷؛ سلطانی فرد، ۱۳۷۹؛ صفدری، ۱۳۸۲؛ رافق وند، ۱۳۸۰؛ شیخ دارانی، ۱۳۸۲). از دیگر سو، شواهد به دست آمده نشان می‌دهد که گروه‌های آموزشی در بروز خلاقیت و نوآوری در آموزش تأثیر کمی داشته و یا بی‌تأثیر بوده اند (صالحی، ۱۳۷۲؛ بنگاه، ۱۳۷۲؛ درستکار، ۱۳۷۵؛ فرجی و قربانی، ۱۳۸۰؛ علی نصیب، ۱۳۸۲؛ سبحانی نیا، ۱۳۸۶ جهانگرد، ۱۳۸۲؛ شوافی، ۱۳۸۱). در همین راستا برخی از مطالعات نشان می‌دهد که گروه‌های آموزشی در ایجاد پژوهش‌های علمی در خصوص مسائل آموزش و پرورش ناموفق بوده‌اند (آرش، ۱۳۷۱) و یا گروه‌ها در فعال سازی امور پژوهشی و حل مشکلات آموزشی موفقیتی نداشته‌اند (نجاتی، ۱۳۷۶). به علاوه، تأثیر گروه‌های آموزشی در ترغیب و تشویق به امر تحقیق، توفیقاتی در سطح کم داشته اند (یزدانی، ۱۳۷۹). برخی از تحقیقات نشان داده‌اند گروه‌های آموزشی در زمینه‌ی بهبود شیوه‌های ارزش‌یابی و افزایش معلومات معلمان در چگونگی ارزش‌یابی و شیوه‌ی طرح سؤال موفق بوده‌اند (آرش، ۱۳۷۱؛ حاجی پروانه، ۱۳۷۴؛ درستکار، ۱۳۷۵؛ پارسا، ۱۳۷۵؛ فرجی و قربانی، ۱۳۸۰؛ علی نصیب، ۱۳۸۱؛ احمدی، ۱۳۷۹؛ شیخ دارانی، ۱۳۸۲). از دیگر سو، مقررات و دستورالعمل‌های مربوط به تشکیل گروه‌های آموزشی و جایگاه گروه‌های آموزشی در تشکیلات رسمی آموزش جایگاهی مبهم است (فیاضی، ۱۳۸۱؛ بنگاه، ۱۳۷۲؛ حسن آبادی، ۱۳۷۱؛ صالح پور، ۱۳۸۲). تاجایی که ضرورت تجدید نظر توسط برخی پژوهشگران مطرح شده است (ساکی، ۱۳۸۰).

با توجه به هدف کلی پژوهش یعنی ارزیابی اثربخشی و کارایی گروه‌های آموزشی، اهداف فرعی زیرپی گیری شد.

– بررسی میزان اثربخشی گروه‌های آموزشی در ایجاد مهارت برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، از دیدگاه مدیران و دبیران. به عبارت دیگر، آیا جلسات گروه‌های آموزشی در سطح دبیرستان‌ها که با شرکت دبیران هم رشته، و در سطح مناطق آموزش و پرورش که با شرکت نماینده‌ی دبیران از هر دبیرستان انجام می‌شود، در ارتقاء مهارت برنامه‌ریزی دردرس مورد نظر اثربخش بوده و یا اثربخشی کمی داشته است. به عنوان نمونه، ارائه‌ی جدول زمان بندی دروس و تقویم درسی ترمی و سالانه تنظیم شده در دبیرستان‌ها و برنامه‌های درسی هفتگی و ترمی به عنوان نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی درسی است که گروه‌های آموزشی می‌توانند در آن ایفای نقش کنند و در نظام سنتی توسط آموزش متوسطه و مدیران انجام می‌شود.

– بررسی میزان موفقیت گروه‌های آموزشی، در موضوع تحلیل محتوا و نقد و بررسی کتاب‌های درسی. یکی از وظایف مورد انتظار از معلمان، بررسی نقاط قوت و ضعف کتاب

های درسی و میزان انطباق آنها با نیازها و مقاطع تحصیلی بالاتر و همچنین زمان اختصاص داده شده در تقویم ترمی است که گروه های آموزشی با توجه به رویکرد مشارکت معلمان، در سطح دبیرستان ها و مناطق نقش مهمی در این جهت دارند.

- آیا گروه های آموزشی در گسترش فرهنگ پژوهش بین معلمان و ایجاد زمینه‌ی مناسب برای بروز و پرورش خلاقیت و اندیشه های نودر آموزش و پرورش کارایی داشته اند؟
- از آنجایی که ارزشیابی یکی از موضوعات مهم در آموزش و پرورش است، آیا گروه های آموزشی در بهبود آگاهی دبیران از شیوه های ارزش یابی و معیار های آن، کارایی داشته اند؟

- آیا ساختار موجود گروه های آموزشی و مقررات و آیین نامه های مربوطه، جوابگوی انتظارات دبیران و مدیران و تربیت است؟

- و بالاخره یکی دیگر از اهداف این پژوهش بررسی رابطه‌ی بین میزان کارایی کلی (مجموع کارایی در زمینه های برنامه ریزی، نقد و بررسی کتب درسی، خلاقیت و پژوهش و ارزش یابی و همچنین ساختار گروه ها) با میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به صورت معدل و آمار قبولی در کنکور و المپیاد های علمی است، به عبارت دیگر آیا هرچه گروه ها از نظر دبیران و معلمان کارایی بیشتر ی داشته اند، نتایج بیرونی آن مانند معدل دانش آموزان و آمار دانش آموزان قبولی کنکور و المپیاد علمی در هر منطقه وضعیت مطلوب تری داشته است.

۲- روش پژوهش

۳-۱- جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل کلیه‌ی دبیران، مدیران، مشاوران با حداقل ۳ سال سابقه‌ی کار در آموزشگاه‌های متوسطه‌ی شهرستان ها و مناطق آموزشی استان خوزستان در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ می باشد که در ۲۲ گروه آموزشی سامان دهی شده‌اند. در این پژوهش، از دو نمونه‌ی آزمودنی استفاده شد: ۱۰۰ نفر آزمودنی، نمونه‌ی اعتباریابی را تشکیل می‌دادند و ۸۹۲ نفر در نمونه‌ی اصلی قرار داشتند. هر دو نمونه به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. پرسش نامه‌های بازگشت داده شده که به صورت کامل تکمیل شده بودند، شامل ۶۰ مورد برای نمونه‌ی اعتباریابی و ۷۹۹ مورد (۶۶۲ دبیر ۸۷ مدیر ۵۰ مربی و مشاور) برای نمونه بودند.

۲-۲-۲- ابزارهای پژوهش

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته‌ی سنجش کارآیی گروه‌های آموزشی از دیدگاه مدیران و دبیران استفاده شد.

همچنین برای اندازه‌گیری سطح کارآیی گروه‌ها از جداول عملکردی آموزشی گروه‌ها از جداول موجود در کارشناسی استان و نیز برای سنجش عملکرد تحصیلی از آمار قبولی سال سوم متوسطه، میزان قبولی در کنکور و شرکت در المپیادها استفاده شد.

برای ساخت پرسش‌نامه‌ی سنجش کارآیی گروه‌های آموزشی با توجه به عناوین عملکرد گروه‌های آموزشی ۵ مؤلفه شامل طراحی آموزشی، خلاقیت و نوآوری، تجزیه و تحلیل کتب درسی، سنجش و ارزش‌یابی و نقش‌ساختار در کارآیی گروه‌ها تهیه و سپس پرسش‌نامه‌ای با ۷۶ گویه به سبک لیکرت^۱ ۳ مقیاسی تهیه شد. سپس این پرسش‌نامه در اختیار ۳۲ نفر داور از افراد صاحب نظر قرار گرفت و از آنها خواسته شد که مشخص کنند آیا گویه‌های مورد نظر مؤلفه‌های مربوطه را اندازه‌گیری می‌کنند. سپس با توجه به نظر داوران با استفاده از ضریب همبستگی و توان افتراقی تعداد گویه‌ها به ۵۴ مورد کاهش یافت. بعد از این مرحله، روی نمونه‌هایی که برای اعتباریابی انتخاب شده بودند اجرا شد و پاسخ‌های به دست آمده با استفاده از تحلیل عامل و با روش چرخشی واریماکس^۲ تعداد گویه‌ها به ۵۲ مورد مؤلفه‌ها از ۵ عامل به ۴ عامل کاهش یافت.

۴ عامل استخراج شده عبارت بودند از: ۱- خلاقیت و مهارت‌های مربوط به طراحی آموزشی، شامل ۲۱ گویه ۲- تحلیل محتوای کتب درسی و ارزش‌یابی شامل ۱۷ گویه ۳- اقتدار و مقبولیت گروه‌های آموزشی شامل ۸ گویه ۴- جایگاه اداری و ساختار سازمان گروه‌های آموزشی ۶ گویه.

برای اعتباریابی پرسش‌نامه از روش اعتباریابی ملاکی^۳ با استفاده از پرسش‌نامه‌ی سعیدی (۱۳۸۲) استفاده شد که ضریب به دست آمده، ۰/۸۷ بود، همچنین همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ^۴ ۰/۸ محاسبه شد. عملکرد گروه‌های آموزشی براساس چک لیستی اندازه‌گیری شد که برای ارزیابی فعالیت گروه‌های آموزشی مناطق و شهرستان‌ها به کار می‌رود. برای سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان برای هر منطقه براساس میانگین ۳ شاخص شامل ۱- درصد قبولی در امتحانات نهایی سال سوم متوسطه ۲- درصد قبولی دانش‌آموزان در کنکور سراسری ۳- قبولی در مرحله‌ی اول المپیادهای علمی کشوری برای ۳ سال در نظر گرفته شد.

^۱- Likert

^۲- Varimax

^۳- criterion-related validity

^۴- Cronbach alpha

۳- یافته های تحقیق

تحلیل آماری داده‌ها در مورد سؤالات و فرضیه‌ی مورد بررسی به نتایجی که در پی می آید منتهی شده است. نتایج به دست آمده در مورد سؤالات پژوهشی در جدول شماره‌ی ۱ ملاحظه می‌شود.

جدول شماره‌ی ۱، یافته‌های مربوط به نظرات دبیران و مدیران

ازمون خی دو	فراوانی						آماره		عوامل پژوهشی	
	P	χ^2	زیاد	متوسط	کم	انحراف	میانگین			
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	S. D	X	
۰/۰۰۰۱	۳۸۰/۷۵	۳۷/۳	۲۹۸	۳/۴	۲۷	۵۹/۳	۴۷۴	۱/۲۸	۲/۷۵	نقش گروه ها در مهارت برنامه ریزی (۱۲سؤال پرسش نامه)
۰/۰۰۰۱	۵۰۳/۸۳	۲۸/۷	۲۲۹	۳/۵	۲۸	۶۷/۸	۵۴۲	۱/۲۳	۲/۵۴	نقش گروه ها در تحلیل کتب درسی (۹ سؤال پرسش نامه)
۰/۰۰۰۱	۳۱۵/۳۱	۴۳/۷	۳۴۹	۴/۱	۳۳	۵۲/۲	۴۱۷	۱/۲۷	۲/۹	نقش گروه ها در خلاقیت آموزشی دبیران (۸سؤال پرسش نامه)
۰/۰۰۰۱	۳۰۶/۱۷	۵۴/۶	۴۳۶	۵/۴	۴۳	۴۰/۱	۳۲۰	۱/۲۸	۳/۱۷	نقش گروه ها در بهبود ارزش یابی (۸ سؤال پرسش نامه)
۰/۰۰۰۱	۴۰۸/۳۱	۶۱/۸	۴۹۴	۳/۵	۲۸	۳۴/۷	۲۷۷	۱/۱۷	۳/۱۲	مناسب بودن ساختار گروه ها و مقررات (۱۵سؤال پرسش نامه)

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۱ ملاحظه می‌شود با توجه به نتایج به دست آمده میانگین $X = ۲/۷۵$ که از میانگین مقیاس $\mu = ۳$ کمتر است و نیز $\chi^2 = ۳۸۰/۷$ که از مقدار $\chi^2 = ۵/۹۹$ بحرانی بیشتر است، لذا مشخص می‌شود تعداد دبیرانی که معتقدند گروه‌های آموزشی توانسته اند زمینه‌ی مناسب را برای کسب مهارت های مزبور به طراحی آموزشی را فراهم کنند به طور معنی داری کمتر از دبیرانی است که مخالف این عقیده هستند. بر این اساس، پاسخ به سؤال ۱، منفی است. همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۱ ملاحظه می‌شود، در رابطه با سؤال پژوهشی ۲ میانگین به دست آمده ($X = ۲/۵۴$) که از میانگین مقیاس $\mu = ۳$ کمتر است و نیز χ^2 محاسبه شده $۵۰۳/۸۳$ می‌باشد که از χ^2 بحرانی بیشتر است. لذا تعداد مخالفین با این سؤال بیشتر از تعداد موافقین می‌باشد، بر این اساس پاسخ به سؤال ۲ پژوهشی منفی است و نیز با توجه به نتایج به دست آمده که در جدول شماره‌ی ۱ ملاحظه می‌شود میانگین به دست آمده در مورد سؤال ۳، $\chi^2 = ۳۱۵/۳۱$ است که از χ^2 بحرانی بیشتر است. بر این اساس تعداد مخالفین با این سؤال بیشتر از تعداد موافقین

می‌باشد و می‌توان گفت که پاسخ به سؤال ۳ پژوهشی منفی می‌باشد. همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۱، ملاحظه می‌شود، نتایج به دست آمده در رابطه با سؤال ۴ حاکی از آن است که میانگین به دست آمده ($X=3/17$) بیشتر از مقیاس $\mu=3$ می‌باشد. همچنین χ^2 مشاهده شده $306/17$ است که از χ^2 بحرانی بیشتر است و نشان می‌دهد که تعداد موافقین با این سؤال ۴۳۶ نفر به طور معنی‌داری از تعداد مخالفین (۳۲۰ نفر) بیشتر است، لذا می‌توان گفت پاسخ آزمودنی‌ها به سؤال ۴ مثبت است، یعنی از دیدگاه دبیران و مدیران، گروه‌های آموزشی در ترویج شیوه‌های ارزش‌یابی موفق بوده‌اند. نتایج به دست آمده در رابطه با سؤال پنجم پژوهش نشان می‌دهد که $X=3/12$ است که از میانگین مقیاس $\mu=3$ بیشتر است. همچنین تعداد موافقین، ۴۹۴ نفر بیشتر از تعداد مخالفین ۲۷۷ نفر می‌باشد که χ^2 به دست آمده ($408/31$) از χ^2 بحرانی بیشتر است. بر این اساس می‌توان گفت پاسخ به سؤال پنجم پژوهش مثبت می‌باشد. یعنی از دیدگاه مدیران و دبیران، گروه‌های آموزشی دارای مشکلات ساختاری هستند.

جدول شماره‌ی ۲- ضرایب همبستگی بین کارایی گروه‌های آموزشی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

قبولی المپیادهای علمی			قبولی در کنکور سراسری			قبولی دروس کتبی نهایی سوم متوسطه			روش آماری	متغیر کارایی کلی گروه‌های آموزشی
P	n	r	P	n	r	P	n	r		
۰/۰۱	۳۵	۰/۶۲	۰/۰۰۶	۳۵	۰/۴۶	۰/۰۰۶	۳۵	۰/۶۲	اسپیرمن برون	

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۲، ملاحظه می‌شود بین کارایی گروه‌های آموزشی و هر سه مؤلفه‌ی عملکرد تحصیلی همبستگی مثبت وجود دارد، که هر سه همبستگی در سطح مورد نظر معنادار می‌باشند و بر این اساس فرضیه‌ی پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. یعنی در سه شاخص عملکرد تحصیلی، هر چه میزان کارایی گروه‌های آموزشی بالاتر باشد، میزان قبولی دروس کتبی نهایی سوم متوسطه بیشتر است که این رابطه برابر با $r=0/62$ و در سطح $p < 0/006$ معنی‌دار می‌باشد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی دیدگاه مدیران، دبیران درباره‌ی عملکرد و اهداف گروه‌های آموزشی است که در این رابطه با توجه به پنج عامل مطرح شده برای اندازه‌گیری میزان کارایی گروه‌های آموزشی به منظور تحقق اهداف این گروه‌ها و شاخصی از کارایی درونی و رابطه‌ی آن با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها اقدام شد.

۴-۱- میزان کارایی گروه های آموزشی

۴-۱-۱- در رابطه با بخش اول، یعنی میزان کارایی گروه های آموزشی از دیدگاه دبیران ومدیران، نتایج نشان داد که: تعداد دبیران و مدیرانی که عقیده دارند گروه‌های آموزشی توانسته اند زمینه‌ی مناسب را برای کسب مهارت های مربوط به طراحی آموزش فراهم کنند، به طور معنی داری کمتر از مخالفین این عقیده است. یعنی به نظر می رسد گروه های آموزشی در این بعد، موفقیت چشمگیری نداشته اند. این یافته ها با پژوهش های جهانگرد (۱۳۸۲)؛ دقیق (۱۳۸۲)؛ رمزی و گودرزی (۱۳۸۰)؛ یزدانی (۱۳۷۹) و محمدی (۱۳۷۸) همسو است. از دلایل این عقیده که گروه‌های آموزشی نتوانسته اند زمینه‌ی مناسب را برای کسب مهارت های آموزشی فراهم کنند این است که دبیران به طور فعال در گروه‌ها مشارکت نمی کنند، رافقوند (۱۳۸۰) به این نتیجه رسیده است که استفاده از تجربیات موفق در جلسات گروه و ارائه‌ی روش های نوین تدریس به عنوان مهم ترین عامل ایجاد انگیزه برای استفاده از روش‌های فعال و نوین تدریس می باشد.

۴-۱-۲- در رابطه با عامل دوم مربوط به کارایی، اکثر مدیران و دبیران با این عقیده مخالفند که گروه‌های آموزشی دبیران را با رویکردهای جدید فرایند تحلیل محتوا آشنا و نسبت به نقد و بررسی کتب درسی و اجرای برنامه‌ها تشویق می کنند. این یافته ها با یافته های یزدانی (۱۳۷۹) و جهانگرد (۱۳۸۲) همسو می باشد، در حالی که با بسیاری از نتایج تحقیقات دیگر (مانند آرش، ۱۳۷۱؛ حاجی پروانه، ۱۳۷۴؛ درستکار، ۱۳۷۵؛ بشیری، ۱۳۷۶؛ دقیق ۱۳۸۲ و سبحانی‌نیا، ۱۳۸۲) همسو نمی‌باشد. یکی از دلایل این ناهماهنگی درنتیج، نحوه‌ی اجرای دستورالعمل مربوط به گروه های آموزشی است که به دلیل تازگی در مناطق مختلف به صورت سلیقه ای اجرا می شود.

۴-۱-۳- نتایج به دست آمده در مورد عامل سوم مربوط به کارایی گروه های آموزشی نشان می‌دهد که اکثر دبیران و مدیران اعتقاد دارند گروه‌های آموزشی نتوانسته‌اند زمینه‌ی مناسب را برای پرورش خلاقیت و بروز اندیشه‌های نو در مسائل آموزش و پرورش و انجام پژوهش‌های علمی فراهم کنند. این یافته‌ها با یافته‌های محققین دیگر (مانند آرش، ۱۳۷۱؛ صالحی، ۱۳۷۲؛ بنگاه، ۱۳۷۲؛ نجاتی، ۱۳۷۶؛ یزدانی، ۱۳۷۹؛ معصوم‌زاده، ۱۳۸۰؛ فرجی و قربانی، ۱۳۸۰؛ شوافی، ۱۳۸۰ و علی نصیب، ۱۳۸۱) همسو بوده است و با تحقیقات پارسا (۱۳۷۶) و شیخ دارانی (۱۳۸۲) همخوانی ندارد.

آنچه در تبیین این نتایج می‌توان گفت این است که مقررات و جو آموزش و پرورش امکان رشد خلاقیت را فراهم نمی‌کند. به طوری که فیوضات (۱۳۷۴) اعتقاد دارد اگر برنامه به نوآوری و تحقیق و آزمایش روش‌های جدید تکیه کند، ولی سازمان و مقررات آموزشی

عملاً چنین فرصتی را فراهم نکند، طبعاً نمی‌توان انتظار داشت که برنامه اجرا شود. به عبارت دیگر یک عامل مهم نا مشخص بودن وضع پژوهش و خلاقیت در ساختار آموزش و پرورش است. به عنوان نمونه درحالی که در آموزش عالی پژوهش بخشی از نظام ارتقاء اساتید را تشکیل می‌دهد، جایگاه مشخصی در ارتقاء معلمان ندارد.

۴-۱-۴- نتایج به دست آمده در رابطه با سؤال چهارم پژوهش حاکی از آن است که تعداد بیشتری از دبیران و مدیران با این نظر موافقتند که گروه‌های آموزشی توانسته‌اند روش‌های صحیح ارزش‌یابی را در میان دبیران گسترش دهند. این یافته‌ها با پژوهش‌های زیادی همسو می‌باشند (مانند آرش، ۱۳۷۱، حاجی پروانه، ۱۳۷۴، درستکار، ۱۳۷۵؛ محمدی، ۱۳۷۸؛ فرجی و قربانی، ۱۳۸۰ و علی نصیب، ۱۳۸۱؛ احمدی ۱۳۷۹ و شیخ دارانی، ۱۳۸۲). در تبیین این نتایج می‌توان گفت که علت احتمالی این موضوع به دلیل اهمیت فراوانی است که مدیران و دبیران برای امتحانات قائل هستند، از طرف دیگر گروه‌های آموزشی وقت زیادی را صرف ارزیابی امتحانات گروه‌های مختلف می‌کنند و مدیران و دبیران در این رابطه ارتباط تنگاتنگی با گروه‌های آموزشی دارند (مثلاً حاجی پروانه، ۱۳۷۴ و محمدی، ۱۳۷۸).

۴-۱-۵- همچنین نتایج به دست آمده در مورد سؤال ۵ پژوهش نشان می‌دهد که دبیران و مدیران اعتقاد دارند گروه‌های آموزشی از نظر ساختاری دارای مشکلات و نقائص هستند. این یافته‌ها با یافته‌های برخی از تحقیقات انجام شده همسو می‌باشد (مثلاً فیاضی، ۱۳۸۱؛ بنگاه، ۱۳۷۲؛ حسن آبادی، ۱۳۷۱؛ صالح پور، ۱۳۸۲). در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت هم‌زمان با تغییراتی که در نظام آموزش و پرورش، همچنین در منابع درسی صورت گرفته است در ساختار گروه‌ها چنین تغییراتی اعمال نشده است، به طوری که در پژوهش ساکی (۱۳۸۰)، بر ضرورت بازنگری و اصلاح ساختار سازمانی در نظام آموزشی تأکید می‌شود.

۴-۲- رابطه‌ی کارایی با عملکرد

در رابطه با بخش دوم، یعنی رابطه‌ی کارایی گروه‌های آموزشی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۲ ملاحظه شد، بین کارایی گروه‌های آموزشی و قبولی در دروس کتبی سال سوم متوسطه و قبولی در کنکور سراسری و نیز قبولی درالمپیادهای علمی همبستگی مثبت وجود دارد که همگی در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشند، به طوری که ۲۵٪ قبولی در کنکور، سال سوم متوسطه و المپیادهای علمی به وسیله‌ی کارایی گروه‌های آموزشی مناطق مربوطه قابل پیش‌بینی است. این یافته‌ها با

یافته‌ی سلطانی‌فر (۱۳۷۹)، پارسا (۱۳۷۵)، ولسترواسمیت (۲۰۰۶، a) و رحیمی (۱۳۷۴) همسو می‌باشند. در تبیین این یافته می‌توان گفت براساس برخی از مدل‌ها، نیروی انسانی با مدرک تحصیلی بالا، خصوصیات اکتسابی دانش‌آموزان و اعتبارات صرف شده در مناطق آموزشی از اصلی‌ترین عواملی هستند که بیشترین تأثیر را بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند.

با توجه به اشکال ساختاری در گروه‌های آموزشی از دیدگاه کارشناسان و دبیران، لازم است با ارزش‌گذاری بیشتر و وجود امتیازات خاص، بازدید مستمر از کارگروه‌ها، تشویق کتبی و منظور کردن امتیاز ویژه در ارزش‌یابی سالانه در این جهت، جایگاه گروه‌های آموزشی از نظر ساختاری ارتقا یابد. از طرف دیگر با توجه به ناتوانی گروه‌های آموزشی در کمک به معلمان برای طراحی آموزشی، لازم است در این جهت برنامه‌ریزی شود و در طراحی آموزشی در سه مقطع نقش گروه‌های آموزشی که برخاسته از معلمین است افزایش یابد و به کارشناسان هر مقطع محدود نشود. با توجه به ضعف نقش گروه‌های آموزشی در تحلیل محتوا و افزایش خلاقیت تشکیل گروه‌های بحث و کارگاه‌های آموزشی در سطح منطقه‌ای (ترکیبی از چند مدرسه) می‌تواند در این جهت مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به رابطه‌ی میزان کارایی گروه‌ها با عملکرد تحصیلی که در این پژوهش به آن اشاره شده است، گروه‌های آموزشی و نقش آنها در بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان باید مورد توجه قرار گیرد. آموزش و پرورش می‌تواند بارفع تنگناهای موجود از نظر مقررات و شناسایی مشکلات موجود در گروه‌ها و رفع آنها، از نقش فعال گروه‌ها در مدارس و مناطق، به عنوان یک روش مقابله با افت تحصیلی بهره‌مند شود.

منابع

- آرش، م (۱۳۷۱). ارزش‌یابی طرح گروه‌های آموزشی از نظر میزان موفقیت در نیل به اهداف مورد نظر. زیر نظر یحیی مهاجر. شورای تحقیقات استان تهران.
- احمدی، ز (۱۳۷۹). بررسی عملکرد گروه‌های آموزشی دوره‌ی ابتدایی و مقایسه‌ی آن با اهداف تشکیل آنها از دیدگاه مدیران و معلمان در استان مرکزی. شورای تحقیقات استان مرکزی.
- بنگاه، پ (۱۳۷۲). بررسی روش‌های مؤثر جهت فعال نمودن گروه‌های آموزشی و نقش گروه‌ها در رضایت شغلی معلمان مقطع متوسطه‌ی استان هرمزگان. بندرعباس: شورای تحقیقات استان هرمزگان.
- پارسا، س (۱۳۷۵). میزان کارایی و عملکرد گروه‌های آموزشی. تهران: دفتر آموزش متوسطه‌ی راهنمایی و ابتدایی وزارت آموزش و پرورش.
- جهانگرد، م (۱۳۸۲). بررسی میزان اثربخشی گروه‌های آموزشی متوسطه‌ی ناحیه‌ی ۱ اصفهان از دیدگاه دبیران در سال تحصیلی ۸۲-۸۱. زیر نظر دکتر سعید رجایی پور. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. چاپ نشده. اصفهان: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- حاجی پروانه، ف (۱۳۷۴). بررسی عملکرد گروه‌های آموزشی متوسطه‌ی نظری از نظر نیروی انسانی شاغل در دوره‌ی متوسطه. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. چاپ نشده. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسن آبادی، ا (۱۳۷۱). ارزیابی کارایی گروه‌های آموزشی دوره‌ی متوسطه و یافتن شیوه‌های فعال‌تر کردن آنها در دو گروه شیمی و علوم تجربی، زیر نظر محمدمصورتگر. شورای تحقیقات استان مرکزی.
- درستکار، م (۱۳۷۵). ارزش‌یابی عملکرد گروه‌های آموزشی دوره‌ی عمومی از دیدگاه معلمان، مدیران و مسئولین آموزش و پرورش اصفهان [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. چاپ نشده. خوراسگان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- دقیق، ا (۱۳۸۲). بررسی عملکرد گروه‌های آموزشی دوره‌ی متوسطه‌ی نظری شهر اصفهان از دیدگاه مدیران، دبیران و اعضای گروه‌های آموزشی. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد] چاپ نشده. اصفهان: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- رافق‌وند، ف (۱۳۸۰). بررسی راهکارهای ایجاد انگیزه در معلمان برای استفاده از روش مؤثر (نوبین). شورای تحقیقات اصفهان.
- رحیمی، ح (۱۳۷۴). تعیین همبستگی میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان با مدرک، رشته‌ی تحصیلی و تجربه‌ی آموزشی دبیران دوره‌ی متوسطه. تهران: اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان تهران.
- رمضی، ف و گودرزی، ا (۱۳۸۰). بررسی نظرات معلمان در خصوص عملکرد گروه‌های آموزشی سرپرستی مدارس جمهوری اسلامی ایران در کویت، سال ۸۱-۸۰. اراک: شورای تحقیقات.
- ساکي، رضا (۱۳۸۰). بهسازی ساختار سازمانی، گامی مهم در اعتلای نظام آموزشی. پژوهش‌نامه‌ی آموزشی. شماره‌ی ۳۵. ۶-۱.
- سبحانی‌نیا، م (۱۳۸۲). بررسی عملکرد گروه‌های آموزشی دوره‌ی متوسطه‌ی نظری استان اصفهان در ۳ سال (۷۹-۷۸ تا ۸۱-۸۰). اصفهان: شورای تحقیقات استان.

- سلطانی فرد، ع (۱۳۷۹). بررسی میزان کارایی گروه های آموزشی متوسطه از نظر دبیران و مدیران شهر تهران. تهران: شورای تحقیقات استان تهران.
- شوافی، ع (۱۳۸۱). بررسی و ارزیابی عملکرد گروه های آموزشی مراکز تربیت معلم و آموزش عالی فرهنگیان استان اصفهان در سال های ۷۸ تا ۸۰ و پیشنهاد و راهکارهای فعال شدن آنها. اصفهان: شورای تحقیقات.
- شیخ دارانی، ه (۱۳۸۲). بررسی عملکرد گروه های آموزشی سه دوره ی تحصیلی در منطقه ی شاهین شهر در سال تحصیلی ۸۱-۸۲. اصفهان: شورای تحقیقات.
- صادقی، م (۱۳۷۹). بررسی عملکرد گروه های آموزشی در افزایش کیفیت فعالیت های آموزش معلمان دوره ی ابتدایی خمینی شهر [پایان نامه ی کارشناسی ارشد]. چاپ نشده. اصفهان: دانشکده ی مدیریت.
- صالح پور، ا (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر در افزایش اثربخشی فعالیت های گروه های آموزشی متوسطه ی علوم انسانی شیراز بر اساس نظرات دبیران و اعضای گروه های آموزشی در سال تحصیلی ۸۱-۸۲. [پایان نامه ی کارشناسی ارشد]. چاپ نشده. اصفهان: دانشکده ی علوم تربیتی و روان شناسی.
- صالحی، م (۱۳۷۲). بررسی نظرات دبیران دبیرستان های سنج در رابطه با تأثیر عملکرد گروه های آموزشی در افزایش کیفیت فعالیت آموزشی دبیران. کردستان: شورای تحقیقات.
- صفدری، ع (۱۳۸۲). نقش گروه های آموزشی در ارتقاء سطح علمی دبیران دوره ی متوسطه ی استان لرستان. زیر نظر سیدماشاءاله شاهرخی. لرستان: شورای تحقیقات.
- علی نصیب، ا (۱۳۸۱). بررسی عملکرد گروه های آموزشی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران استان یزد. یزد: شورای تحقیقات.
- فیاضی، ج (۱۳۸۱). بررسی موانع و شیوه های مشارکت در فعالیت های گروه های آموزشی از دیدگاه دبیران استان خوزستان [پایان نامه ی کارشناسی ارشد]. چاپ نشده. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- فرجی، ا و قربانی، م (۱۳۸۰). بررسی عملکرد گروه های آموزشی از دیدگاه معلمان دوره ی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و ارائه ی الگوهای مناسب برای انتخاب اعضای این گروه ها. یزد: شورای تحقیقات.
- فیوضات، ی (۱۳۷۴). مبانی برنامه ریزی آموزشی. چاپ دوم. تهران: نشر ویرایش.
- گویا، ز (۱۳۷۸). معلم کیست. پژوهش نامه ی آموزشی. شماره ی ۲۴، ص ۶
- محمدی، م (۱۳۷۸). بررسی عملکرد گروه های آموزشی دوره های مختلف تحصیلی از دیدگاه معلمان و کارشناسان و مدیران اجرایی. ایلام: شورای تحقیقات.
- نجاتی، ع (۱۳۷۶). بررسی عملکرد گروه های آموزشی مراکز تربیت معلم شهر تهران و راه های کیفیت بخشی به آن. [پایان نامه ی کارشناسی ارشد]. چاپ نشده. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- هاشمی، ف (۱۳۷۷). بررسی میزان موفقیت و روش های افزایش کارایی گروه های آموزشی از دیدگاه معلمان و اعضای گروه های آموزشی دوره ی عمومی شهرستان مازندران، شورای تحقیقات استان مازندران
- یزدانی، س (۱۳۷۹). بررسی میزان تحقق اهداف گروه های آموزشی از دیدگاه معلمان و مدیران مدارس راهنمایی و متوسطه ی شهرستان بناب. [پایان نامه ی کارشناسی ارشد]. چاپ نشده. خوراسگان: دانشگاه آزاد اسلامی.

- Losangeles Compact on Evaluation (2000). The value of teams in school reform: finding from year four of the Losangeles Annenberg Metropolitan Project. Lonangeles: university of California, Losangeles and university if southern California.
- Tenjoh-ok wen. T. (1992). Teaching practice; A Partnership. Paper, presented at the University of Regional University of Yaounde.
- Wholesteter, P. and Smith, J. (2006, a). Improving school through partnership: Learning from charter schools, Phi Delta Kapan, 87 (6), 464-467.
- Wholesteter, P. and Smith, J. (2006, b). Understanding different face of partnership: A typology of public-private partnership: School Leadership and Management, 26, (3), 249-268.